

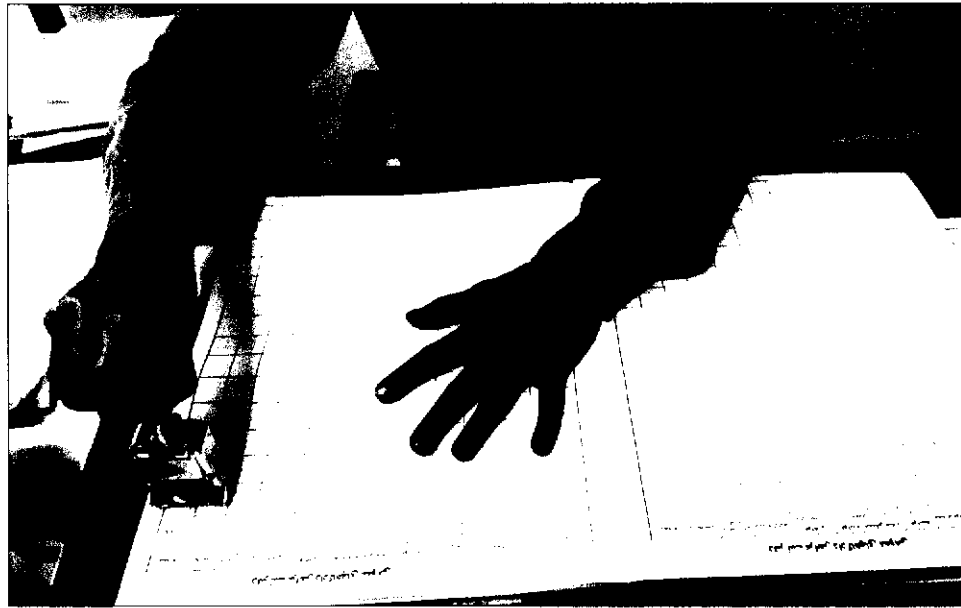
لزوم توجه دادگاه بدوی به وجود قانون خاص

تنظیم: علی اصغر محمدی - سرپرست دفتر تدوین متون آموزشی

از همسایگان متوجه گردیدیم که متهم این عمل را با اشخاص مختلفی انجام داده و سعی بر بردن مال غیر و کلاهبرداری نموده که موفق هم گردیده است و (ق. ط) گفته شهادت می دهد که متهم آقای (ع. ا) طبق قراردادی که اینجانب به قلم خود نوشته ام (بنا به درخواست طرفین قرارداد) نه تنها مفاد قرارداد و تعهدنامه را انجام نداده بلکه متهم تولیدکننده لوازم دندان پزشکی نبوده و با وانمود کردن خود به عنوان تولیدکننده لوازم دندان پزشکی کلاهبرداری نموده به نحوی که چک به مبلغ نهصد و پنجاه هزار تومان را که متعلق به آقای (ف) شاکی پرونده بوده نقد کرده و متواری گردیده است در تاریخ ۷۶/۴/۴ پس از ارسال پرونده از مرجع انتظامی وقت دادرسی به روز ۷۶/۴/۱۴ ساعت ۸/۵ صبح تعیین و شاکی دعوت به محاکمه و دستور جلب متهم صادر شده است. پس از جلساتی متهم در روز ۷۶/۴/۲۲ جلب و ضمن تحقیق از وی در شعبه دادگاه عمومی... به لحاظ اعطای نیابت از شعبه ۲۴۴ دادگاه عمومی تهران در مقام دفاع عنوان کرده است که بنده در رابطه با این اتهام که به من نسبت داده شده اعتراض دارم و کلاهبرداری صورت نگرفته است شهود هم دارم و بنده وکیل اختیار می نمایم و قرار آزادی وی مقید به توثیق وثیقه به مبلغ بیست میلیون ریال شده و متهم به زندان

آقای (ع. ا) از پرداخت وجه خودداری می نماید. لذا با استناد به قوانین کیفری عمل مشتکی عنه کلاهبرداری، بردن مال غیر و تهدید و اکراه می باشد و با در نظر گرفتن این که مشتکی عنه سابقه کیفری برای حمل چاقو و ضرب و جرح دارد از آن دادگاه محترم تقاضای اقدامات لازمه تأمین را به انضمام تعقیب کیفری مشتکی عنه مستدعی می باشم (ص ۱ پرونده) شکواییه جهت تشکیل پرونده و تحقیقات مقدماتی به حوزه انتظامی مربوط ارسال گردیده است. از شاکی تحقیق اظهارات خود را به شرح شکواییه تکرار و پرونده در معیت شاکی به مرجع قضایی ارسال گردیده و به شعبه ۲۴۴ دادگاه عمومی تهران ارجاع شده است. در تاریخ ۷۶/۳/۲۵ از شاکی در وقت فوق العاده تحقیق و اظهارات قبلی خود را تکرار و پرونده جهت تحقیق از شهود و هدایت متهم به مرجع انتظامی اعاده و شهود آقایان (م. غ) و (ق. ط) گواهی داده اند که آقای (ع. ا) با وانمود کردن این که تولیدکننده کالای (سرساکشن) بوده قرارداد و تعهدنامه ای را که با آقای (ف) منعقد نموده صرفاً به خاطر این بوده که مبلغ نهصد و پنجاه هزار تومان که وجه ساخت سرساکشن بوده گرفته و این عمل را با ایجاد شرکتی در آدرس مذکور انجام داده به نحوی که هنگام پرسش

دادنامه شماره ۱۳ تجدیدنظر خواه؛...
تجدیدنظر خوانده؛...
موضوع رسیدگی؛ نقض دادنامه به لحاظ عدم توجه به قانون خاص و دلایل ابرازی
مرجع رسیدگی؛ شعبه ۱۸ دیوان عالی کشور
خلاصه جریان پرونده:
بدو آقای (ف. ت) در تاریخ ۷۶/۳/۱۹ علیه آقای (ع. ا) به اتهام کلاهبرداری اعلام جرم کرده و توضیح داده است که طبق صورت جلسه مورخ ۷۵/۹/۱۱ مبلغ نه میلیون و پانصد هزار ریال به آقای (ع. ا) طی دو فقره چک اولی به شماره ۱۱۸۱۵۷ به مبلغ پانصد هزار تومان و دومی به شماره... به مبلغ چهار صد و پنجاه هزار تومان از شماره حساب جاری ۱۹۸۲ بانک صادرات شعبه... بابت کالای (سرساکشن بی رنگ) خریداری شده پرداخت کرده ام. آقای (ع. ا) طبق تعهدنامه و قرارداد مذکور متعهد به تولید و تحویل کالا گردیده که نه تنها کالای خریداری شده را تحویل نداده است بلکه هر دو طبق تحقیقات و معاینات محلی مشتکی عنه سابقه کیفری داشته و از طریق وانمود کردن صاحب کارگاه تولیدی کلاهبرداری نموده اند. با توجه به این که تا به حال پس از مراجعات و تماسهای متعدد مشتکی عنه



را جهت براءت خود ابراز و از جمله سند مورخ ۷۵/۱۰/۱۴ صفحه ۷۰ پرونده که به طور خلاصه حکایت از تسویه حساب طرفین و اقرار آقای (ف) به مبلغ چهار هزار تومان دارد. (عضو ممیز و در این خصوص بررسی شده است) آقای (ع. ف) دادخواستی به خواسته نه میلیون و پانصد هزار ریال بابت اصل وجه مطالبه نموده است و دادگاه پس از جلساتی نهایتاً طی دادنامه شماره... مورخ ۷۷/۹/۷ چنین رأی داده است در این پرونده آقای (ع. ف) فرزند (م) ۳۷ ساله پلاستیک ساز، با سواد اهل و تبعه ایران، فاقد پیشینه کیفری، بازداشت به علت عمیز از تودیع وثیقه در ۷۶/۷/۲۲ و آزاد با تودیع وثیقه در ۷۶/۸/۱۵ متهم است به کلاهبرداری نسبت به آقای (ع. ف) فرزند (ح) وکالت شاکلی را آقای (م. ف) و متهم را آقای (پ. ت) و (ا. ج) و نهایتاً آقای (ب. ح) عهده دار می باشد که بعداً آقای (ب. ح) به وکالت از جانب متهم انتخاب و معرفی شده و ضمناً توسط شاکلی دادخواست ضرر و زیان نیز تقدیم گردیده است.

موضوع شکایت چنین بوده که شاکلی و وکیل ایشان مدعی شده اند که متهم، خوشترن را دارنده کارگاه و شرکت و لوازم پلاستیکی خصوصاً ابزار پزشکی و دندان پزشکی معرفی نموده و جلوه داده است که موجب گردیده طی قراردادی با پرداخت مبلغ نهصد و پنجاه هزار تومان وجه طی دو فقره چک توسط شاکلی متهم ساخت و تحویل ماهیانه پنج هزار بسته لوله بی رنگ (شفاف) موسوم به سرساکشن را که در امور دندان پزشکی کارایی دارد تعهد نموده که علی رغم دریافت وجه چکها متهم به تعهد خویش عمل نکرده و اجناس مذکور را به شاکلی تحویل نداده است وکیل شاکلی اظهار داشته که متهم در قرارداد فی مابین، خود را مالک دستگاهی معرفی کرده که به وسیله آن لوله های سرساکشن تولید می گردد در حالی که بعداً معلوم شده که اصولاً متهم دارای چنین دستگاهی نمی باشد. نظر

معرفی و پرونده به مرجع معطی نیابت اعاده گردیده است (ص ۳۴ پرونده) در تاریخ ۷۶/۷/۲۸ وقت احتیاطی تبدیل به وقت رسیدگی به روز ۷۶/۹/۲ ساعت ۹ صبح گردیده و طرفین دعوت به محاکمه شدند در تاریخ ۷۶/۸/۱۵ با توثیق وثیقه و قرار قبولی آن متهم از زندان آزاد شده است در تاریخ ۷۶/۹/۲ با حضور طرفین شاکلی اظهارات قبلی خود را تکرار و متهم آقای (ع. ف) گفته است بنده مبلغ نهصد و پنجاه هزار تومان از وی پول گرفته ام و مدارکی که از ایشان گرفته ام و مدرکی که ایشان نشان می دهد امضای قرارداد مال بنده است لکن قرارداد را قبول ندارم.

بنده از بابت همین قرارداد به وی پولی نداده ام و یا جنس به وی نداده ام من اجناس را به بازار داده ام و از طرف ایشان داده ام و قرار بود بعداً تسویه حساب شود مدرکی برای تسویه حساب ندارم فقط شهودی دارم که حاضرند شهادت دهند در تولیدی بنده ایشان می خواست مشارکت کند و وجوهات را از آن بابت داده است و در پاسخ این که اجناس تحویلی به بازار را چه کسی تحویل داده است پاسخ داده است خودم به نام شرکت ایشان تحویل داده ام و پولش را خودم تحویل داده ام و ایشان قبل از قرارداد به بنده بدهکار بوده است و از بابت بدهی خود منظور نمودم و از بابت خرید جنس بوده است و ۶۰۰ هزار تومان بدهکار بوده است و نهصد و پنجاه هزار تومان از بابت جنس بوده و از بابت بدهی وی بر ششصد هزار تومان شهود دارم و تاریخ تحویل اجناس در دفاتر موجود است و شاکلی اجمالاً اظهارات متهم را تکذیب کرده و دادگاه قرار استماع شهادت شهود صادر و وقت به روز ۷۶/۱۰/۸ ساعت ۹ صبح تعیین و به طرفین حضوراً ابلاغ شده است و پس از انجام تحقیقات پرونده جهت تکمیل تحقیقات به آگاهی ارسال و وقت احتیاطی به روز ۷۶/۱۱/۲۰ تعیین شده است (ص ۵۸ پرونده) آقای (ع. ف) مدارکی

به اعلام و شکایت شاکلی و وکیل ایشان و پیگیری و تحقیقات و صورت جلسه و گزارش پاسگاه حوزه ۵ انتظامی و بعداً مدیریت دایره ۱۴ آگاهی و مدارک ابرازی شاکلی از جمله قرار داد خریداری لوله های موسوم به سرساکشن دندان پزشکی و این که متهم در طول دادرسی علی رغم تمسک به شهادت شهود و ابراز مدارکی در مورد کار و حرفه پاسخ قانع کننده ای در باب این که در مورد قرارداد فی مابین از حیث انجام تعهدات خویش چه دلیل و مدارکی دارد ابراز نداشته و ثابت ننموده که اصولاً کارگاه و کارخانه ای در مورد ساخت این نوع وسیله دندان پزشکی مذکور در قرارداد دارد و مشغول کار می باشد یا خیر و در واقع با تناقض گویی و ابراز مدارک غیر مرتبط و استشهادهای بی ارتباط یا قضیه مبادرت به تناقض گویی نموده که با احراز و ثبوت بزه طبق ماده یک قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۶۷/۹/۱۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام متهم به تحمل دو سال زندان و رد اصل مال به صاحبش با احتساب ایام بازداشت محکوم می گردد. در مورد دادخواست ضرر و زیان تقدیمی شاکلی و وکیل ایشان با توجه به مدارک ابرازی و اوضاع و احوال موجود و به تبع ثبوت بزه دعوا وارد و ثابت تشخیص رأی بر محکومیت آقای (ع. ف) فرزند (م) به پرداخت مبلغ نه میلیون و پانصد هزار ریال و هزینه دادرسی شامل وجوه تبر ابطال شده و نیز حق الوکاله طبق تعرفه صادر و اعلام می گردد مبلغ هزینه دادرسی و حق الوکاله مشخص شده است. (عضو ممیز) این رأی حضوری و ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ و رویت اعتراض و رسیدگی در محاکم محترم تجدیدنظر استان تهران می باشد.

دادنامه به طرفین ابلاغ و به لحاظ تجدیدنظرخواهی آقای (ب. ح) به وکالت از آقای (ع. ف) پرونده به کلاس... در شعبه ۱۴ دادگاه تجدیدنظر استان تهران مطرح و شعبه مذکور طی دادنامه شماره... مورخ ۷۸/۴/۲۶ چنین رأی داده است؛ در پرونده ۱۳۸۵/۱۴/۷۷ در خصوص تجدیدنظرخواهی آقای (ع. ف) با وکالت آقای (ب. ح) نسبت به دادنامه شماره... مورخ ۷۷/۹/۷ صادره از شعبه ۳۰ دادگاه عمومی از حیث صدور حکم به محکومیت تجدیدنظرخواه به تحمل دو سال حبس تعزیری و رد مال (وجه) موضوع کلاهبرداری (با این توضیح که در این قسمت سهواً مجازات جزای نقدی مصرحه مقنن مسکوت مانده است) در امر ارتکاب بزه کلاهبرداری و همچنین محکومیت حقوقی به پرداخت مبلغ نه میلیون و پانصد هزار ریال بابت وجه دو فقره چک در حق تجدیدنظر خوانده، ایراد و اعتراض در قسمت محکومیت کیفری، موجه و قابل قبول به نظر می رسد آن چه واضح و مبرهن است، آن است که در قرارداد مورخ ۷۵/۶/۱۱ بسند ۶ آن اشاره به پیش پرداخت تولید سرساکشن شده است که دلیل بر آن است که چنین عنوانی از ناحیه تجدیدنظرخواه مطرح گردید و اشاره به کیفیت و جنس سرساکشن به

رأی: استدلال و تذکر اداره کل نظارت و پیگیری قوه قضاییه نسبت به محکومیت آقای (ع. ا) در دادنامه... مورخ ۷۶/۴/۲۶ شعبه ۱۴ دادگاه تجدیدنظر استان... به پرداخت نهصد و پنجاه هزار تومان در حق آقای (ع. ف) علی‌رغم سند عادی مورخ ۷۵/۱۰/۱۴ ارزی محکوم علیه که حکایت از بدهی وی به مبلغ چهل هزار تومان دارد، موجه و درخور پذیرش است. زیرا با توجه به مستند عادی فوق‌الذکر لازمه احراز محکومیت محکوم علیه به مبلغ نهصد و پنجاه هزار تومان رسیدگی به سند عادی مورخ ۷۵/۱۰/۱۴ منتسب به محکوم له آقای (ع. ف) می‌باشد. بنا به جهات فوق و مستنداً به تبصره ۴ ماده ۲۳۵ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری ضمن نقض دادنامه فوق‌الاشعار در قسمت محکومیت آقای (ع. ا) به پرداخت نهصد و پنجاه هزار تومان (نه میلیون و پانصد هزار ریال) رسیدگی مجدد به شعبه هم‌عرض (دادگاه تجدیدنظر استان...) محول می‌گردد.

نظریه تحلیلی کمیسیون آرای جزایی؛

تحلیل دادنامه شماره ۱۳

تاریخ برگزاری جلسه ۸۲/۶/۴

موضوع پرونده: کلاهبرداری

نقاط قوت رأی یا تحلیل و تفسیر: دقت نظر شعبه تجدیدنظر در تفکیک اتهام کلاهبرداری و چک قابل توجه است. چک قانون خاص دارد. نقاط ضعف رأی یا تحلیل و تفسیر و نقد: عدم توجه دادگاه بدوی به وجود قانون خاص مربوط چک و تسری دادن حکم موضوع کلاهبرداری در پرونده مطروح شده که از مصادیق اصدار چک بلامحل بوده قابل ذکر است. جنبه آموزشی رأی: با وجود قانون خاص استناد به مواد عمومی قانون جزا محملی ندارد.

منعکس در پرونده و لویای تقدیمی تجدیدنظرخواه منظم و به مستندات ادعایی نیز تماماً در جهت دفاع از اتهام کیفری و اعتراض به محکومیت آن است و در رابطه با مسأله حقوقی ساکت است. فلذا در اجرای تبصره ماده ۱۶ قانون تشکیل دادگاههای کیفری ۱ و ۲ و شعب دیوان عالی کشور و مفاد رأی وحدت رویه شماره ۵۸۲ مورخ ۷۱/۱۲/۲ هیأت عمومی دیوان عالی کشور و مستنداً به ماده ۱۸ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب در این قسمت حکم به تأیید دادنامه صادر و اعلام می‌گردد. این رأی قطعی است وکالت نامه وکیل در پرونده کلاسه... شعبه ۱۴ دادگاه تجدیدنظر استان... مضبوط نیست (عضو ممیز) در پرونده امر اجراییه صادر شده است. به لحاظ تقاضای آقای (ع. ا) پرونده در اداره نظارت و پیگیری قوه قضاییه پرونده در آن مرجع مطرح و ملخصاً با توجه به سند عادی مورخ ۷۵/۱۰/۱۴ که تنها دلالت بر بدهکاری مشارالیه به مبلغ چهارصد هزار ریال دارد.

تقاضای اعمال تبصره ۴ ماده ۲۳۵ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری نموده است. با موافقت مدیرکل نظارت و پیگیری قوه قضاییه با عدم پذیرش قضات شعبه ۱۴ دادگاه تجدیدنظر استان... بر استدلال تذکر دهنده پرونده به دیوان عالی کشور ارسال و به این شعبه ارجاع شده است. گزارش قاضی مأمور در اداره کل نظارت و پیگیری قوه قضاییه و قضات شعبه ۱۴ دادگاه تجدیدنظر استان تهران موقع شور فرائت خواهد شد. هیأت شعبه در تاریخ بالا تشکیل گردید پس از قرائت گزارش عضو ممیز و ملاحظه اوراق پرونده و نظریه کتبی دادیار دیوان عالی کشور اجمالاً مبنی بر رسیدگی و صدور حکم براساس موازین قانونی نسبت به دادنامه شماره... شعبه ۱۴ دادگاه تجدیدنظر استان تهران تجدیدنظر خواسته مشاوره نموده چنین رأی می‌دهد:

شرح بند ۷ قرارداد مذکور بر این امر تأکید دارد اما محتویات پرونده و تحقیقات انجام شده بعدی، کاشف از حیله و تقلبی در طرح این عنوان و غیرواقع بودن آن ندارد و اگر چه مستند رسمی در جهت تأسیس و بهره‌برداری چنین کارگاه تولیدی ابزار دندان پزشکی در پرونده موجود نیست و از ناحیه تجدیدنظرخواه ابراز نشده است، اما قرائن مستنبط از پرونده دلالت کافی بر سبق کار و تجربیات مشارالیه در تولید ملامین و پلاستیک صنعتی من جمله سرساکشن موضوع قرارداد داشته و بر عکس سوءنیت خاص بر این که تجدیدنظرخواه قصد امیدواری تجدیدنظر خواننده به امری غیر واقع و مغرور نمودن وی را داشته باشد مستفاد نیست و حیله و تقلبی ظهور و بروز ندارد و فعلیت نیافته است و آن چه در تحقیقات موضوع محاکمه مورخ ۷۶/۹/۲ در پرونده انعکاس یافته در جهت اثبات خواسته حقوقی بیشتر قابلیت توجه دارد و بر همین اساس بوده که به شرح تصمیم مورخ ۷۶/۱۰/۸ دادگاه بدوی در برگ ۶۰ پرونده موضوع (دقیقاً) به آگاهی ارجاع شده و حصول نتیجه مفیدی نداشته است و در اینگونه موارد اصل براءت استوار است که برعکس دادگاه بدوی اصل را بر مجرمیت و محکومیت قرارداد است فلذا به نظر این دادگاه ارتباط فی مابین به شرح قرارداد مورخ ۷۵/۹/۱۱ منطبق با موازین حقوقی بوده و بر فرض این که مستندات تجدیدنظر خواه کافی برای احراز تصدی وی در امر تولید سرساکشن (دندان پزشکی) نباشد امری خلاف صفتی و اداری بوده و قرارداد این پرونده با رضایت و شرایط مقبول و امور واقع در خارج واقع گردیده و متضمن حیله و تقلب اولیه و مستوجب کلاهبرداری بعدی نبوده است.

فلذا در اجرای ماده ۲۲ قانون تشکیل مستوجب کلاهبرداری بعدی نبوده است فلذا در اجرای ماده ۲۲ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب با فسخ دادنامه بدوی در قسمت محکومیت کیفری براءت تجدیدنظرخواه را اعلام می‌دارد و اما در قسمت محکومیت حقوقی ایراد و اعتراض به عمل نیامده و علی‌الظاهر تمامیت توجه تجدیدنظرخواه به قسمت کیفری قضیه بوده است و از نظر این مرجع صرف نظر از براءت حاصله مدیونیت تجدیدنظرخواه در مقابل تجدیدنظر خواننده در حد میزان خواسته محرز است و در این رابطه به اظهارات تجدیدنظرخواه در صورت جلسه مورخ ۷۶/۹/۲ اوراق ۵۳ به بعد پرونده استناد می‌گردد که حاکی است مبلغ نهصد و پنجاه هزار تومان گرفته ام و امضای قرارداد مال بنده است و بعد از این قرارداد ادعا نموده که تسویه حساب شده اما مدارکی ندارد. بلکه شهود دارد که تا این مرحله تعرفه (در این مورد خاص) ننموده است و سایر اظهاراتش در این جلسه من جمله تحویل غیر مأذون اجناس به بازار از طرف تجدیدنظر خواننده و یا ادعای تهاتر مبلغ ششصد هزار تومان بدهی قبلی تجدیدنظر خواننده در جهت تأیید محکومیت وی است و سایر اقدامات

